

مقدمه

یکی از مسائل مطرح در روان‌شناسی مثبت‌نگر، میزان تاب‌آوری افراد است. «تاب‌آوری» از جمله سازه‌هایی است که در حوزه پژوهش‌های روان‌شناختی، به‌ویژه در عرصه روان‌شناسی سلامت، روان‌شناسی خانواده، روان‌شناسی تحول و بهداشت روانی جایگاه ویژه‌ای یافته است، به‌طوری‌که هر روز بر شمار پژوهش‌های مرتبط با این سازه افزوده می‌شود (کمبل و همکاران، ۲۰۰۶). بی‌تردید تحولات عظیمی که در جهان کنونی در گستره فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخ داده است، مسائل و مشکلات نوینی را برای انسان‌های عصر حاضر فراهم ساخته که رویارویی با این مسائل، قطعاً نیازمند انسان‌هایی هوشمند و تاب‌آور می‌باشد. انسان‌هایی که در برابر موقعیت‌های استرس‌زا، می‌توانند از تمام توانش‌های خود بخصوص توانش‌های شناختی استفاده نمایند (ترخان، ۱۳۹۲).

تاب‌آوری توانایی افراد در سازگاری مؤثر با محیط، علی‌رغم قرار داشتن در معرض عوامل خطرآفرین است. عوامل خطرآفرین، آن دسته شرایط و موقعیت‌های منفی هستند که با پیامدهای منفی و مشکلات رفتاری مرتبط می‌شوند (گومز و مک‌لارن، ۲۰۰۶). *امی ورنر*، از جمله نخستین دانشمندانی بود که در دهه ۱۹۷۰ از اصطلاح «تاب‌آوری» استفاده کرد. بسیاری از پژوهشگران، تاب‌آوری را به عنوان توانایی غلبه و گذر از حوادث ناگوار تعریف و از آن به عنوان یک ایده خوب، با ارزش کاربردی بالا برای کمک به افراد هنگام مواجهه با ناملایمات و محافظت آنان در برابر خطراتی که در طول زندگی‌شان به وجود می‌آید، یاد کرده‌اند (هارت و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۳۰۰). دو مؤلفه رایج در اغلب تعاریف «تاب‌آوری» وجود دارد: الف. فرد/ خانواده به موقعیت ناگوار پاسخ مثبت نشان دهد. ب. فرد/ خانواده در این هنگام احساس قدرتمندی، کاردانی بیشتر، اعتماد بیشتر و رشد بالاتری دارد (سیمون و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین، تاب‌آوری علاوه بر سازگاری یا حل مسئله، شامل تغییر یا رشد مثبت نیز می‌شود (والش، ۲۰۰۶، ص ۵۵). هرچند برخی از ویژگی‌های مرتبط با تاب‌آوری به صورت زیستی و ژنتیکی تعیین می‌شوند، اما مهارت‌های مربوط به تاب‌آوری را می‌توان یاد داد و تقویت نمود (صیدی سارویی و همکاران، ۱۳۹۲).

یکی از زمینه‌های احتمالی رشد تاب‌آوری افراد، اعتقادات مذهبی است. بشر در تاریخ خود، فارغ از دغدغه‌های دینی و پرستش نبوده است. در قدیمی‌ترین آثار به‌جامانده از دوره‌های باستان، عنصر پرستش و نمادهای وابسته به آن یافت می‌شود. بررسی سیر تمدن انسانی نیز نشان می‌دهد که با پیشرفت دانایی بشر، نیاز به معنویت و توجه به دنیای فرامادی نیز بیشتر شده است. از روزهای آغازین ظهور علم روان‌شناسی، ویلیام جیمز، در نوشته‌های خود به ارتباط خویشتن

رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی با میزان تاب‌آوری دانشجویان

✉ فریبرز صدیقی ارفعی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه کاشان

علی حسین‌زاده / استادیار گروه معارف دانشگاه کاشان

مریم نادی راوندی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه کاشان

دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۱۸

fas@kashanu.ac.ir

hoseinzadeh1330@yahoo.com

nadi.edu1391@yahoo.com

چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی رابطه میان جهت‌گیری مذهبی، هوش معنوی با میزان تاب‌آوری دانشجویان انجام شده است. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (تعداد ۲۲۸ دانشجو) انتخاب شدند. ابزار پژوهش، شامل پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی آپورت، پرسش‌نامه هوش معنوی و مقیاس تاب‌آوری بود. نتایج نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی، با هوش معنوی و میزان تاب‌آوری دانشجویان رابطه مثبت معنی‌دار دارد. از سوی دیگر، بین دانشجویان دختر و پسر در جهت‌گیری مذهبی، هوش معنوی و تاب‌آوری تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین بین دانشجویان و دین‌پژوهان در جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی تفاوت معناداری دیده شد، اما در هوش معنوی و میزان تاب‌آوری در این دو گروه تفاوتی مشاهده نگردید. نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که هوش معنوی، بیشترین سهم را در تبیین تاب‌آوری دانشجویان دارد. در نهایت، می‌توان گفت: افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی، که تنها برای منافع شخصی تظاهر به دین‌داری نمی‌کنند و افراد دارای هوش معنوی بالا، از تاب‌آوری بالاتری برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: جهت‌گیری مذهبی، هوش معنوی، تاب‌آوری، دانشجویان، دین‌پژوه.

انسانی با عالم ماوراء اشاره نموده است. با مطالعه جوامع انسانی و تاریخ تمدن‌ها، همواره با رگه‌هایی از باورهای دینی مواجه می‌شویم (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۷۹).

پارگامنت (۱۹۹۷)، «مذهب» را این‌گونه تعریف می‌کند: «جست‌وجو برای معنا و ارزشی که مقدس شمرده می‌شود». در این تعریف، سه واژه کلیدی وجود دارد: ارزش، جست‌وجو و مقدس. در اینجا فرض بر این است که مردم در پی چیزی می‌روند که در زندگی‌شان ارزش و معنا داشته باشد. همچنین در این تعریف از مذهب، بر این تکیه شده است که انسان‌ها موجودهایی فعال و هدف‌مدار هستند (حسینی قمی و سلیمی بجنستانی، ۱۳۹۰). *فرویب*، مذهب را به عنوان پدیده‌ای برخاسته از نیازهای بشر معرفی کرده و بر این اعتقاد بود که یگانه هدف آن، کمک به بشر برای غلبه بر ترس‌هایی است که در طول زندگی با آنها روبه‌رو می‌شود (فرویب، ۱۹۰۷، ص ۲۷).

به نظر می‌رسد، مذهب برای افراد نقش سپر دفاعی را بازی کرده و مجموعه وسیعی از آثار مثبت روان‌شناختی را در افراد ایجاد می‌کند (حسینی قمی و سلیمی بجنستانی، ۱۳۹۰). از جمله مفاهیمی که در حوزه روان‌شناسی دین مورد نگرش پژوهشگران قرار گرفته، انگیزه‌های مذهبی یا جهت‌گیری مذهبی بوده است (البرزی و جوکار، ۱۳۸۴). در حوزه روان‌شناسی، آلپورت نخستین محقق است که جهت‌گیری مذهبی را مورد بررسی قرار داده است. مقصود اصلی آلپورت از جهت‌گیری مذهبی، ترکیبی از باورهای مذهبی، رفتارها و انگیزه بود (مک کرمیک، ۲۰۰۹، ص ۲۲-۲۴).

به‌طور کلی آلپورت (۱۹۶۷)، جهت‌گیری مذهبی افراد را به دو دسته درونی و بیرونی طبقه‌بندی کرده، معتقد است: افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی می‌باشند، مذهب در آنها احساس راحتی، امنیت و سودمندی و خودسازگاری را به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر، افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی در هماهنگی با اعتقادات و شعائر مذهبی‌شان زندگی می‌کنند. این امر موجب امنیت و ثبات اجتماعی بیشتر در آنها می‌شود (فر و همکاران، ۲۰۰۷). براساس نظریه آلپورت مذهب درونی، مذهبی فراگیر و دارای اصول سازمان‌یافته و درونی شده است. درحالی‌که مذهب بیرونی، امری است خارجی و ابزاری که برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، منظور آلپورت از جهت‌گیری مذهبی درونی، عبارت‌اند از: یک تعهد انگیزشی فراگیر که غایت و هدف است، نه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف فردی (جان‌بزرگی، ۱۳۷۸، ص ۲۰).

سازه هوش معنوی، یکی از مفاهیم جدید، جذاب و بحث‌انگیزی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی محققان، صاحب‌نظران، و به‌ویژه روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه پیدا

کرده است. این مفهوم، در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونس مطرح شد. به موازات این جریان، گارنر مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف مورد نقد و بررسی قرار داد و پذیرش این مفهوم ترکیبی از معنویت و هوش را به چالش کشید (گاردنر، ۱۹۹۹، ص ۸۷).

«هوش معنوی»، بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و منابع معنوی می‌باشد که کاربست آنها در زندگی روزانه می‌تواند موجب افزایش انطباق‌پذیری فرد شود. در تعریف‌های موجود از هوش معنوی، به‌ویژه بر نقش آن در حل مسائل وجودی و یافتن معنا و هدف در اعمال و رویدادهای زندگی روزمره تأکید شده است (ولمن، ۲۰۰۷، ص ۷۳). از نظر *امونز*، هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی در جهت حل مسئله در زندگی روزانه و فرایند دستیابی به هدف می‌باشد (امونز، ۲۰۰۰).

هوش معنوی، شامل نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و... شامل می‌شود. فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند. این هوش، به فرد بینشی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چارچوب‌بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق می‌بخشد (غباری‌بناب و همکاران، ۱۳۸۵).

خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۷۹)، در پژوهشی با عنوان «آماده‌سازی مقیاس نگرش مذهبی دانشجویان» به این نتیجه دست یافتند که میانگین نمرات نگرش مذهبی طلاب حوزه علمیه قم، به‌طور معناری بالاتر از میانگین نمرات دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و دانشجویان هنرهای زیبای دانشگاه تهران است.

آذربایجانی (۱۳۸۰)، در پژوهشی با عنوان آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، جهت‌گیری مذهبی طلاب، دانشجویان دانشگاه تهران و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی را با هم مقایسه کرد و نتایج نشان داد که میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی در گروه حوزه علمیه، بالاتر و در دانشگاه آزاد اسلامی دارای پایین‌ترین مقدار است.

اسمیت (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای نشان داد که هوش معنوی، لازمه سازگاری بهتر با محیط است و افرادی که از هوش معنوی بالاتری برخوردارند، تحمل آنها در مقابل فشارهای زندگی بیشتر بوده و توانایی بالاتری را در جهت سازگاری با محیط از خود بروز می‌دهند (اسمیت، ۲۰۰۵، ص ۴۴).

با توجه به اینکه هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی، شکل‌دهنده رفتارهای فرد در اجتماع و مجموعه‌ای از توانایی‌ها، برای بهره‌گیری از منابع دینی و معنوی هستند و در حل مشکلات روزانه تأثیرگذار می‌باشند،

هدف این پژوهش روشن ساختن اهمیت مذهب و هوش معنوی بر زندگی انسان‌هاست. برای اولین بار، این پژوهش ارتباط سه متغیر جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی را با تاب‌آوری مطالعه می‌کند. از این رو، این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها است که آیا بین جهت‌گیری مذهبی و تاب‌آوری دانشجویان رابطه وجود دارد؟ آیا بین هوش معنوی و تاب‌آوری دانشجویان رابطه وجود دارد؟ سهم جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی در پیش‌بینی تاب‌آوری چقدر است؟ آیا بین دانشجویان دختر و پسر، از نظر هوش معنوی و میزان تاب‌آوری تفاوت وجود دارد؟ آیا بین دانشجویان و دانشجویان دین‌پژوه از نظر جهت‌گیری مذهبی، هوش معنوی و تاب‌آوری تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش، از آنجاکه رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی با تاب‌آوری را بررسی می‌کند، از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانشجویان پسر و دختر مقطع کارشناسی دانشگاه کاشان و دانشجویان دین‌پژوه حوزه علوم اسلامی شهید بهشتی دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، متناسب با حجم و با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۲۲۸ نفر از آنها به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی: پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی درونی - بیرونی توسط آلپورت ساخته شده است. این پرسش‌نامه مذهبی، پرسش‌نامه ۲۰ ماده‌ای است که ۱۱ ماده آن مربوط به جهت‌گیری مذهبی بیرونی و ۹ ماده آن نیز به جهت‌گیری مذهبی درونی اختصاص دارد. فگین در سال ۱۹۶۳، یک نسخه ۲۱ ماده‌ای ارائه نمود که تمام گزینه‌های پرسش‌نامه آلپورت را به علاوه یک گزینه دیگر، (مذهب همان کاری را می‌کند که عضویت من در گروه دوستان و آشنایان می‌کند؛ یعنی کمک می‌کند که زندگی‌م را متعادل و پایدار نگه دارم) دربر می‌گیرد. این گزینه، همبستگی بالایی (۰/۶۱) با جهت‌گیری مذهبی بیرونی داشت. از آن به بعد، این پرسش‌نامه بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. در مطالعات فگین، همبستگی بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی (۰/۲۰) بود که به همبستگی محاسبه شده آلپورت (۰/۲۱) بسیار نزدیک می‌باشد.

برای سنجش روایی این آزمون در ایران، مقیاس جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی فگین به فارسی ترجمه شده و صحت ترجمه آن با بازخوانی توسط متخصصان دیگر و ترجمه دوباره آن به انگلیسی تصحیح گردید. سپس، با بازنویسی متعدد سعی در متناسب نمودن آن با بافت فرهنگی و

مذهبی ایران گردید. گزینه‌ها براساس مقیاس لیکرت تنظیم گردید (مختاری و همکاران، ۱۳۸۰). اعتبار این پرسش‌نامه، توسط جان‌بزرگی (۱۳۷۸) در یک نمونه ۲۳۵ نفری از دانشجویان استان تهران، براساس آلفای کرانباخ با اعتبار ۰/۸۳ مورد آزمون قرار گرفته است. در پژوهشی دیگر نیز که توسط مختاری و همکاران (۱۳۷۹) در یک نمونه ۱۰ نفری از دانشجویان دانشگاه تهران صورت گرفت، اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرانباخ محاسبه گردید که ضریب آلفای معادل ۰/۷۱ به دست آمد.

پرسش‌نامه هوش معنوی: پرسش‌نامه هوش معنوی، توسط عبداللّه‌زاده و همکاران ساخته و هنجاریابی شده است. این پرسش‌نامه، شامل ۲۹ سؤال و دو عامل می‌باشد. عامل اول با ۱۲ سؤال «درک و ارتباط با هستی» نام‌گذاری شد و عامل دوم با ۱۷ سؤال «زندگی معنوی با هسته درونی» نامیده شد. عبداللّه‌زاده و همکاران، گروه هنجاری را که شامل ۲۸۰ نفر بودند و ۲۰۰ نفر از آنان دانشجوی دانشگاه منابع طبیعی گرگان و ۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر بود، مورد بررسی قرار داد. از این تعداد، ۱۸۴ نفر دختر و ۹۶ نفر پسر بودند. ابتدا پرسش‌نامه مقدماتی، ۳۰ سؤالی توسط سازندگان آزمون تدوین گردید و روی ۳۰ نفر از دانشجویان اجرا گردید. پایایی این آزمون، در مرحله مقدماتی به روش آلفا برابر ۰/۸۷ بود. در تحلیل سؤال به شش لپ، ۱۲ سؤال حذف شد و پرسش‌نامه نهایی با ۲۹ سؤال تنظیم شد. در مرحله نهایی، پرسش‌نامه روی ۲۸۰ نفر گروه نمونه اجرا شد. پایایی در این مرحله ۰/۸۹ به وسیله آلفای کرانباخ بود. برای بررسی روایی، علاوه بر روایی محتوایی صوری که سؤال‌ها بالای ۰/۳ بود. در چرخش به روش واریانس، برای کاهش متغیرها ۲ عامل اصلی به دست آمد که عامل اول، با ۱۲ سؤال «درک و ارتباط با سرچشمه هستی» نام‌گذاری شد و عامل دوم، با ۱۷ سؤال «زندگی معنوی با هسته درونی» نامیده شد (عبداللّه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون (CD-RIS): کانر و دیویدسون (۲۰۰۳)، (CD-RIS)، این پرسش‌نامه را با بازبینی منابع پژوهشی ۱۹۹۱-۱۹۷۹ در زمینه تاب‌آوری تهیه نمودند. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، در شش گروه جمعیت عمومی، مراجعه‌کنندگان به بخش مراقبت‌های اولیه، بیماران سرپایی روان‌پزشکی، بیماران با مشکل اختلال اضطراب فراگیر و دو گروه از بیماران مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه، انجام شده است. سازندگان این مقیاس بر این باورند که این پرسش‌نامه، به خوبی می‌تواند افراد تاب‌آور را از غیرتاب‌آور در گروه‌های بالینی و غیربالینی جدا کند. همچنین می‌تواند در موقعیت‌های پژوهشی و بالینی به کار برده می‌شود (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰). پرسش‌نامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون، ۲۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (کاملاً نادرست) تا پنج (همیشه

جدول ۳. خلاصه رگرسیون جهت‌گیری مذهبی بیرونی، جهت‌گیری مذهبی درونی و هوش معنوی بر تاب‌آوری

متغیر ملاک						متغیرهای پیش‌بین
تاب‌آوری						
SE	B	سطح معناداری	F	R ^۲	R	
۰/۱۳	-۰/۱۲	۰/۲۲	۰/۸۷	۰/۰۰۴	-۰/۰۶	جهت‌گیری مذهبی بیرونی
۰/۱۴	۰/۵۵	۰/۳۹	۱۵/۳۹	۰/۰۶	۰/۲۵	جهت‌گیری مذهبی درونی
۰/۰۴۶	۰/۴۹	۰/۰۰	۱۱۸/۵۹	۰/۳۴	۰/۵۸	هوش معنوی

از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه، برای تعیین سهم هوش معنوی، جهت‌گیری مذهبی بیرونی و جهت‌گیری مذهبی درونی در پیش‌بینی تاب‌آوری دانشجویان استفاده شد. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که جهت‌گیری مذهبی بیرونی و جهت‌گیری مذهبی درونی به ترتیب ۰/۰۰۴ و ۰/۰۶ از واریانس تاب‌آوری را پیش‌بینی کرده است. به همین ترتیب، هوش معنوی ۰/۳۴ واریانس تاب‌آوری را پیش‌بینی کرده است. بنابراین، هوش معنوی، بیشترین سهم را در تبیین تاب‌آوری دانشجویان دارد. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۳ آمده است.

جدول ۴. شاخص توصیفی متغیرهای پژوهش در دانشجویان دختر و پسر و دانشجویان و دین‌پژوهان

متغیر	جنسیت	N	M	SD
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	دختران	۱۰۷	۳۱/۵۵	۶/۱۳
	پسران	۱۲۱	۳۲/۶۶	۶/۵۳
جهت‌گیری مذهبی درونی	دختران	۱۰۷	۳۱/۷۱	۵/۴۵
	پسران	۱۲۱	۳۰/۵۲	۵/۸۰
هوش معنوی	دختران	۱۰۷	۱۱۵/۳۵	۱۴/۵۱
	پسران	۱۲۱	۱۱۲/۳۰	۱۴/۴۹
تاب‌آوری	دختران	۱۰۷	۶۴/۸۴	۱۲/۰۲
	پسران	۱۲۱	۶۴/۱۵	۱۲/۹۹
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	دین‌پژوهان	۱۸	۳۶/۱۶	۵/۷۶
	دانشجویان	۲۱۰	۳۲/۶۵	۶/۱۵
جهت‌گیری مذهبی درونی	دین‌پژوهان	۱۸	۳۵/۱۱	۳/۷۷
	دانشجویان	۲۱۰	۳۰/۷۴	۵/۷۷
هوش معنوی	دین‌پژوهان	۱۸	۱۱۹/۱۶	۱۱/۳۷
	دانشجویان	۲۱۰	۱۱۳/۲۷	۱۴/۹۲
تاب‌آوری	دین‌پژوهان	۱۸	۶۶/۱۶	۱۰/۱۱
	دانشجویان	۲۱۰	۶۴/۳۳	۱۲/۷۲

درست)، با دامنه ۲۵-۱۲۵ نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس در ایران، توسط محمدی (۱۳۸۴) هنجاریابی شده است. برای تعیین روایی این مقیاس، نخست همبستگی هر نمره با نمره کل بجز گویه ۳، ضریب‌های بین ۰/۴۱ تا ۰/۶۴ را نشان داد. سپس گویه‌های مقیاس، به روش مؤلفه اصلی مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند. برای تعیین پایایی مقیاس تاب‌آوری کونور و دیویسسون از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد و ضریب پایایی ۰/۸۹ به دست آمد (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۲). این مقیاس، اگرچه ابعاد مختلف تاب‌آوری را می‌سنجد، ولی دارای یک نمره کل می‌باشد. روایی (به روش تحلیل عوامل و روایی همگرا و واگرا) و پایایی (به روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ)، مقیاس توسط سازندگان آزمون در گروه‌های مختلف (عادی و در خطر) احراز گردیده است (سامانی و همکاران، ۱۳۸۶).

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. شاخص توصیفی نمرات متغیرهای پژوهش

متغیر	N	M	SD	حداقل	حداکثر
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۲۲۸	۳۲/۱۴	۶/۳۶	۱۶	۵۱
جهت‌گیری مذهبی درونی	۲۲۸	۳۱/۰۸	۵/۶۶	۱۴	۴۲
هوش معنوی	۲۲۸	۱۱۳/۵۲	۱۴/۶۳	۷۳	۱۴۵
تاب‌آوری	۲۲۸	۶۴/۳۲	۱۲/۶۸	۱۵	۹۸

جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد، میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی بیرونی دانشجویان برابر با ۳۲/۱۴ و میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی درونی آنها برابر با ۳۱/۰۸ می‌باشد. همچنین میانگین نمرات هوش معنوی دانشجویان دانشگاه کاشان، برابر با ۱۱۳/۵۲ می‌باشد و میانگین نمرات تاب‌آوری دانشجویان دانشگاه کاشان برابر با ۶۴/۳۲ می‌باشد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۱			
جهت‌گیری مذهبی درونی	-۰/۰۴	۱		
هوش معنوی	۰/۰۰۱	۰/۴۹***	۱	
تاب‌آوری	-۰/۰۶	۰/۲۵***	۰/۵۸***	۱

جدول ۲، تحلیل همبستگی رابطه متغیرهای پژوهش را به دست می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد از بین متغیرهای پژوهش هوش معنوی با جهت‌گیری مذهبی درونی و تاب‌آوری، با جهت‌گیری مذهبی درونی و هوش معنوی رابطه مثبت معنی‌دار دارند.

اجرای آزمون t نشان می‌دهد که در دو گروه دین‌پژوهان و دانشجویان در جهت‌گیری مذهبی بیرونی و جهت‌گیری مذهبی درونی تفاوت معنی‌دار وجود دارد، ولی در متغیرهای هوش معنوی و تاب‌آوری بین دو گروه دانشجویان دین‌پژوه و دانشجویان سایر رشته‌ها، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف بررسی رابطه هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی با تاب‌آوری دانشجویان انجام شده است. شاخه جدید علم روان‌شناسی و دیدگاه نوینش تحت عنوان «رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر»، درصدد بررسی ظرفیت‌ها و قدرت‌های روان‌شناختی، به جای آسیب‌شناسی روانی است. اعتقاد اساسی در دیدگاه جدید، این است که ویژگی‌های مثبت قابل اندازه‌گیری می‌توانند به‌عنوان سپری افراد را در برابر حوادث نامطلوب خطرناک محافظت نمایند (سلیگمن و سزیکزنت مهالی، ۲۰۰۰). این پژوهش، در پی آن بوده که دریابد آیا جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی، می‌توانند نقشی در تاب‌آوری داشته باشند؟

یافته‌های پژوهش نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی با تاب‌آوری رابطه مثبت معنادار دارد. این نتیجه، با یافته‌های پژوهشی *خداپناهی و خاکسار بلداچی* (۱۳۸۴)، *رحمانی* (۱۳۹۰)، *کرمی و همکاران* (۱۳۹۱)، *دهقان‌زاده و همکاران* (۱۳۹۱)، *چوکی چونگ و پینگ کونگ کام* (۲۰۱۲) همخوانی دارد. آلپورت در سال ۱۹۶۸، بر اهمیت رابطه بین تدین درونی و سلامت روانی تأکید می‌کند و می‌گوید: «مطمئناً جهت‌گیری مذهبی درونی برخلاف جهت‌گیری مذهبی بیرونی باعث سلامت روانی می‌شود» (ماتیوزتردوی، ۱۹۹۶).

در تبیین رابطه جهت‌گیری مذهبی درونی، با تاب‌آوری با استناد به آیه شریفه «آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد» (رعد: ۲۸)، می‌توان گفت: یکی از ثمره‌های ایمان به خداوند متعال و عمل به اقتضای این ایمان، آرامش درون و تاب‌آوری در برابر مشکلات است. افراد تاب‌آور، با احتمال بیشتری در رویارویی با شرایط دشوار، در جست‌وجوی معنا هستند. داشتن مذهب درونی، که همان ایمان واقعی است، تحمل افراد را در برابر سختی‌ها افزایش داده و آنها را برای غلبه بر چالش‌ها و مشکلات در زندگی یاری می‌دهد. همچنین به قدرت بزرگتری ایمان داشتن و ارتباطات فرامعنوی، به‌عنوان عوامل حمایتی فردی در جهت ایجاد و تسهیل تاب‌آوری یاد شده است. اعتقادات مذهبی به‌عنوان تکیه‌گاه و پشتیبان برای سازگاری بیشتر فرد، عمل می‌کند. مذهب می‌تواند در مراحل ارزیابی اولیه

جدول ۴، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را با توجه به جنسیت و دین‌پژوهان و دانشجویان نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد، میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی بیرونی در دانشجویان دختر برابر با ۳۱/۵۵ و در دانشجویان پسر برابر با ۳۲/۶۶ می‌باشد. میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی درونی در دانشجویان دختر، برابر با ۳۱/۷۱ و در دانشجویان پسر، برابر با ۳۰/۵۲ می‌باشد. همچنین میانگین نمرات هوش معنوی در دانشجویان دختر، برابر با ۱۱۵/۳۵ و در دانشجویان پسر، برابر با ۱۱۲/۳۰ می‌باشد و میانگین نمرات تاب‌آوری در دانشجویان دختر برابر با ۶۴/۸۴ و در دانشجویان پسر برابر با ۶۴/۱۵ می‌باشد.

میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی بیرونی در دین‌پژوهان، برابر با ۲۶/۱۶ و در دانشجویان برابر با ۳۲/۶۵ می‌باشد. میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی درونی در دین‌پژوهان، برابر با ۳۵/۱۱ و در دانشجویان، برابر با ۳۰/۷۴ می‌باشد. همچنین میانگین نمرات هوش معنوی در دین‌پژوهان، برابر با ۱۱۹/۱۶ و در دانشجویان برابر با ۱۱۳/۲۷ می‌باشد و میانگین نمرات تاب‌آوری در دین‌پژوهان، برابر با ۶۶/۱۶ و در دانشجویان برابر با ۶۴/۳۳ می‌باشد.

جدول ۵. مقایسه دوجنس در متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین (انحراف معیار)		t
	دانشجویان دختر	دانشجویان پسر	
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۳۱/۵۵ (۶/۱۳)	۳۲/۶۶ (۶/۵۳)	۱/۳۲
جهت‌گیری مذهبی درونی	۳۱/۷۹ (۵/۴۵)	۳۰/۵۲ (۵/۸۰)	-۱/۵۸
هوش معنوی	۱۱۵/۳۵ (۱۴/۵۱)	۱۱۲/۳۰ (۱۴/۸۴)	-۱/۵۶
تاب‌آوری	۶۴/۸۴ (۱۲/۰۲)	۶۴/۱۵ (۱۲/۹۹)	-۰/۴۱

اجرای آزمون t نشان می‌دهد که در متغیر جهت‌گیری مذهبی بیرونی دانشجویان پسر، نمرات بالاتری نسبت به دانشجویان دختر کسب کرده‌اند، اما در سایر متغیرهای مورد بررسی، دانشجویان دختر نمرات بالاتری نسبت به دانشجویان پسر به دست آورده‌اند ولی تفاوت مشاهده‌شده بین دانشجویان دختر و پسر، از نظر آماری در هیچ یک از متغیرها معنادار نیست.

جدول ۶. مقایسه دو گروه دانشجویان و دین‌پژوهان در متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین (انحراف معیار)		T
	دین‌پژوهان	دانشجویان	
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۲۶/۱۶ (۵/۷۶)	۳۲/۶۵ (۶/۱۵)	۴/۳۱**
جهت‌گیری مذهبی درونی	۳۵/۱۱ (۳/۷۷)	۳۰/۷۴ (۵/۶۷)	-۳/۲۰*
هوش معنوی	۱۱۹/۱۶ (۱۱/۳۷)	۱۱۳/۲۷ (۱۴/۹۲)	-۱/۶۳
تاب‌آوری	۶۶/۱۶ (۱۰/۱۱)	۶۴/۳۳ (۱۲/۷۲)	-۰/۵۹

تهدیدکننده زندگی و موجودیت شخص، دخالت و به‌عنوان یک عامل میانجی عمل کند. همچنین در مراحل ارزیابی مجدد و پس از وقوع مشکل، مذهب می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و امیدواری و معنی‌جویی بیشتری را در فرد ایجاد کند. علاوه بر این، مذهب در مرحله تفسیر رویدادها می‌تواند بر روی نتایج و پیامدهای حاصل از عوامل استرس‌زا اثر بگذارد.

یافته‌های این تحقیق با نتایج کروک (۲۰۰۸) نیز همخوانی دارد که نشان می‌دهد افرادی که از نظر مذهبی در سطوح بالاتری قرار دارند، سعی می‌کنند مسائل خود را به شیوه حل مسئله و با حمایت اجتماعی مرتفع کنند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که هوش معنوی با تاب‌آوری رابطه مثبت معناداری دارد. این نتیجه، با یافته‌های پژوهش کشاورزی و یوسفی (۱۳۹۱)، دهقانی و رجبی (۱۳۹۲)، پورنسایی و همکاران (۱۳۹۲)، خرمایی و همکاران (۱۳۹۲)، سمیت (۲۰۰۴) همخوانی دارد. دانشجویان با هوش معنوی بالا، هنگام مواجهه با حوادث ناگوار زندگی، بیشتر از توکل به خدا سود می‌جویند. زهر و مارشال (۲۰۰۰) معتقدند: هوش معنوی موجب می‌شود که فرد در برابر رویدادها و حوادث زندگی، بیش عمیق بیابد و از سختی‌های زندگی نترسد و با صبر و تفکر با آنها مقابله نموده، راه‌حل‌های منطقی و انسانی برای آنها بیابد. مک شری و همکاران (۲۰۰۲)، تأکید می‌کنند که هوش معنوی زیربنای باورهای فرد است که سبب اثرگذاری بر عملکرد وی می‌شود. به‌گونه‌ای که شکل واقعی زندگی را قالب‌بندی می‌کند. هوش معنوی موجب افزایش قدرت انعطاف‌پذیری و خودآگاهی انسان شده است، به‌طوری‌که در برابر مشکلات و سختی‌های زندگی، بردباری و صبوری بیشتری دارند. در واقع، هوش معنوی ظرفیتی برای الهام است و با شهود و نگرش کل‌نگر به جهان هستی، در جست‌وجوی پاسخی برای پرسش‌های بنیادی زندگی و نقد سنت‌ها و آداب و رسوم می‌باشد.

الکینز و کاونلدش (۲۰۰۴) بر این باورند که حوزه هوش معنوی موجب می‌شود که انسان با ملایمت و عطف بیشتری به مشکلات نگاه کند. تلاش بیشتری برای یافتن راه‌حل داشته باشد. سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند و به زندگی خود پویایی و حرکت دهد.

همچنین نتایج حاصل از این پژوهش، نشان داد بین دانشجویان دختر و پسر در جهت‌گیری مذهبی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این نتیجه، با یافته‌های جلیوند (عظیمی (۱۳۸۱)، عمران‌نسب (۱۳۷۷)) همسو می‌باشد. پژوهشگرانی که از نظر نگرش‌های دینی تفاوت معناداری بین دو جنس به دست نیاورده‌اند، اعتقاد دارند که این تفاوت، ویژه فرهنگ‌های غربی است.

چنین تفاوتی در فرهنگ ما به دلایلی، از جمله نفوذ بسیار زیاد و گسترده مذهب در همه اعصار و دوران‌ها مشاهده نمی‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۸۸).

همچنین بین دانشجویان دختر و پسر در هوش معنوی، تفاوت وجود ندارد. این امر با یافته‌های پژوهشی رقیب و همکاران (۱۳۸۷)، فراهنگ‌پور و همکاران (۱۳۸۹)، آقابابایی و همکاران (۱۳۹۰)، نورزاد قراملکی و همکاران (۱۳۹۰)، حمیدی و صداقت (۱۳۹۱)، ضمیری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲) همخوانی دارد. با توجه به اینکه دانشجویان مورد مطالعه پیرو دین اسلام هستند و دین اسلام نیز بر رشد معنویت تأکید نموده و در آموزه‌های خود، انسان‌ها را به تفکر در وجود انسان و عالم، هدفمند بودن، معابخش بودن زندگی و توجه به ابعاد غیرمادی مانند روح تشویق می‌کند، می‌توان گفت: یکی از دلایلی که منجر به عدم وجود تفاوت در هوش معنوی دانشجویان دختر و پسر شده است، وجود اعتقادات و باورهای مذهبی مشترک بین آنها می‌باشد. از طرف دیگر، عدم وجود تفاوت از لحاظ هوش معنوی در بین دانشجویان دختر و پسر، می‌تواند بیانگر وجود فرصت‌های رشد برابر در بین مردان و زنان جامعه باشد که دستیابی به سطوح برابری از هوش معنوی را برای آنها ممکن می‌سازد (نورزاد قراملکی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸). همچنین لازم به یادآوری است که سؤالات جدی در مورد اینکه از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم و هدف اصلی زندگی چیست، از نمودهای هوش معنوی است. این مسئله، همچون فطرت ذاتی است و در همه انسان‌ها، صرف‌نظر از جنسیت، رنگ، نژاد، مذهب، تحصیلات، تاهل و یا مجرد وجود دارد. همچنان‌که در آیه فطرت آمده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّا كَثَرْنَا النَّاسَ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)؛ روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده. دگرگونی در آفرینش خدا نیست. این است دین و آیین محکم و استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

بین دانشجویان دختر و پسر، از نظر میزان تاب‌آوری تفاوت معنادار وجود ندارد. این موضوع با یافته‌های پژوهشی خلعتبری و بهاری (۱۳۸۹)، جلیلی و حسین‌چاری (۱۳۹۰)، کشاورزی و یوسفی (۱۳۹۱)، پورنسایی و همکاران (۱۳۹۲)، پورافضل و همکاران (۱۳۹۲)، دهقانی و رجبی (۱۳۹۲)، هنلی (۲۰۱۰)، وتر و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد. در توجیه این یافته، باید گفت: یکی از تجارب مشترک و فراگیر افراد بررسی‌شده در این پژوهش، داشتن تحصیلات عالی یا حضور در محیط‌های دانشگاهی است. به نظر می‌رسد، داشتن چنین تجربیاتی می‌تواند به عنوان یک عامل باقوه، تفاوت نداشتن دو جنس را تا حدودی تبیین کند. پاسخ‌گویی مستدل و تجربی به چنین مسئله‌ای، نیازمند انجام

پژوهش‌های بیشتر است. همچنین با توجه به فطرت خداجوی انسان و زمینه و بافت مذهبی و فرهنگی قوی در کشور ما و وجود ریشه‌های عمیق معنویت و باورهای مذهبی و همچنین سنبل‌ها و نمونه‌های صبر و استقامت، مانند حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) و احادیث و آیه‌های مختلف در این زمینه، به عنوان نمونه (طلاق: ۶؛ یوسف: ۸۷) و همچنین (بقره: ۱۵۴-۱۵۵) می‌تواند به‌عنوان منبع حمایتی مهمی به حساب آید که تأمین‌کننده سلامت روان و حفظ آرامش فردی و افزایش توان مقابله و کنار آمدن کارآمد در شرایط سخت زندگی باشد (حسینی قمی و سلیمی بجزستانی، ۱۳۹۰).

یکی از یافته‌های دیگر پژوهش، حاکی از آن بود که بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی دین‌پروهان و دانشجویان تفاوت وجود دارد که با یافته‌های پژوهشی *آذربایجانی* (۱۳۸۰)، *خدا‌یاری* فرد و همکاران (۱۳۷۹) همخوانی دارد.

در تفسیر روان‌شناختی این تفاوت، به چند موضوع می‌توان اشاره کرد:

- الف. از نظر انگیزشی، طلاب به‌ویژه در سال‌های اولیه تحصیل، با انگیزه خاص فراگیری اصول دین‌داری به محیط حوزه وارد می‌شوند و البته مطابق نظریه میدانی *لوین*، رفتار (و همچنین باورها و بازخوردها) به واسطه میدانی که در آن وجود دارد، شکل می‌گیرد (خداپناهی، ۱۳۷۶، ص ۵۹).
- ب. مطابق نظریه یادگیری اجتماعی *باندورا*، طلاب بیشتر در معرض مشاهده، تقلید و الگوگیری از رفتارها و افرادی هستند که از نظر جهت‌گیری مذهبی و دینداری در سطح بالاتری قرار دارند (همان).
- ج. برخی از پدیدارشناسان دینی مانند *دیلتای*، دین‌پژوهی را مشغله‌ای می‌دانند که به رشد دینی پژوهشگران هم مدد می‌رساند (خرم‌شاهی، ۱۳۷۲، ص ۳۲). از این رو، اگر حوزه علمیه و محل تحصیل طلاب را محل پژوهش‌های دینی بدانیم، می‌توان گفت همین امر در شرایط مساوی به دین‌داری بیشتر طلاب می‌انجامد.

بین هوش معنوی و تاب‌آوری دین‌پروهان و دانشجویان تفاوت وجود ندارد. این امر نشان‌دهنده این است که هوش معنوی و تاب‌آوری در رشته‌های متفاوت یکسان است و تفاوتی در دانشجویان و دین‌پروهان در هوش معنوی و میزان تاب‌آوری وجود ندارد. این یافته، با پژوهش‌های *جلیلی* و *حسین چاری* (۱۳۹۰) و *ضمیری‌نژاد* و همکاران (۱۳۹۲) هم‌سو می‌باشد. در تبیین این یافته، می‌توان گفت: تاب‌آوری فرایندی پویاست که در آن تأثیرات محیطی و شخصیتی در تعاملی متقابل بر یکدیگر اثر می‌گذارد. فطرتی بیولوژیک برای رشد و کمال در هر انسان وجود دارد- طبیعت خوداصلاح‌گری ارگانیزم انسانی- که به‌طور طبیعی و تحت شرایط معین محیطی می‌تواند آشکار شود. همان‌گونه که

ماستن می‌گوید: هنگامی که فاجعه از سر بگذرد و نیازهای اولیه انسانی تأمین گردد، آن‌گاه تاب‌آوری احتمال ظهور می‌یابد (سامانی و همکاران، ۱۳۸۶).

هوش معنوی نیز در میان دو گروه یکسان است در تبیین این یافته، باید اذعان نمود که *مونز* معتقد است هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای بهره‌گیری از منابع دینی و مفهومی است. درحالی‌که، معنویت جست‌وجو برای یافتن عناصر مقدس، معناپایی، هشیاری بالا، تعالی است. هوش معنوی، شامل توانایی برای استفاده از چنین موضوعات است که می‌تواند کارکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی کند و منجر به تولید و نتایج ارزشمندی گردد (زارعی و احمدی سرخونی، ۱۳۹۱). هوش معنوی همان مذهب و معنویت نیست که در هر زمینه فرهنگی و مذهبی متفاوت باشد (فرهنگی و همکاران، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر، تجزیه تحلیل یافته‌ها نشان داد که هوش معنوی، بیشترین سهم را در تبیین تاب‌آوری دانشجویان دارد. این یافته با پژوهش *حمید* و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد. هوش معنوی مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که علاوه بر لطافت و انعطاف‌پذیری در رفتار، سبب خودآگاهی و بینش عمیق فرد نسبت به زندگی و هدفدار نمودن آن می‌شود. به‌گونه‌ای که اهداف فراتر از دنیای مادی ترسیم می‌گردد و همین فرایند موجب سازگاری فرد با محیط به خاطر خشنودی و رضایت دیگران شده است؛ زیرا وی با این سازگاری درصدد جلب رضایت خداوند متعال است. بنابراین، ارتباط مستقیمی بین هوش معنوی و تاب‌آوری وجود دارد.

این پژوهش در دانشجویان دانشگاه کاشان و دانشجویان حوزه علوم بهستی دانشگاه کاشان انجام شده است بنابراین، در تعمیم نتایج باید احتیاط لازم را لحاظ کرد. از آنجاکه یکی از عوامل تأثیرگذار بر تاب‌آوری هوش معنوی و مذهب درونی است، ضروری است افرادی مانند روان‌شناسان و مشاوران خوابگاه‌های دانشجویی، مدرسان و... کارگاه‌هایی برگزار کنند تا گامی در راه ارتقا تاب‌آوری باشد. همچنین دانشگاه بایستی تمهیداتی را ایجاد کند تا هوش معنوی در دانشجویان تقویت شود؛ محیط‌های غنی که سؤالات معنوی را برانگیزاند، می‌تواند موجب افزایش و تقویت هوش معنوی گردد. بدین جهت، با ایجاد سمینار و کارگاه‌هایی در این زمینه برای دانشجویان امکان دستیابی به این هدف میسر می‌گردد.

منابع

- آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۰، «آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام»، *حوزه و دانشگاه*، سال هفتم، ش ۲۹، ص ۳۵-۶۰.
- آقابابایی، ناصر و همکاران، ۱۳۹۰، «هوش معنوی و بهزیستی فاعلی»، *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، ش ۳، ص ۸۳-۹۶.
- البرزی، محبوبه و بهرام جوکار، ۱۳۸۴، «مقایسه خودگردانی مذهبی دانش‌آموزان تیزهوش با دانش‌آموزان عادی در شهرستان شیراز»، *مطالعات روان‌شناختی*، ش ۲ و ۳، ص ۸۴-۹۶.
- پورافضل، فرزانه و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی همبستگی استرس ادراک شده با تاب‌آوری در دانشجویان کارشناسی پرستاری»، *مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران (حیات)*، دوره ۱۹، ش ۱، ص ۴۱-۵۲.
- پورنسایی، غزل سادات و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه سلامت روان و هوش معنوی با تاب‌آوری در بین دانش‌آموزان پایه ششم شهرستان بندر انزلی»، در: ششمین کنگره بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان: دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- ترخان، مرتضی، ۱۳۹۲، «اثربخشی آموزش گروهی تفکر انتقادی بر خود اثرمندی اجتماعی و تاب‌آوری»، *شناخت اجتماعی*، سال دوم، ش ۲، ص ۱۰۰-۱۱۰.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۷۸، «بررسی اثربخشی روان‌درمانگری با و بدون جهت‌گیری مذهبی (اسلامی) بر مهار اضطراب و تنیدگی، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- جلیلی، علی و مسعود حسین‌چاری، ۱۳۹۰، «تبیین تاب‌آوری روان‌شناختی در دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار»، *رشد و یادگیری حرکتی- ورزشی*، ش ۶، ص ۱۳۱-۱۵۳.
- حسینی‌قمی، طاهره و حسین سلیمی بیجستانی، ۱۳۹۰، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و تاب‌آوری در بین مادران دارای فرزندان مبتلا به بیماری»، *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، ش ۳، ص ۶۹-۸۲.
- حمید، نجمه و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی رابطه سلامت روان و هوش معنوی با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان»، *جنتاشاپیر*، دوره سوم، ش ۲، ص ۳۴۷-۳۵۵.
- حمیدی، فریده و حسین، ۱۳۹۱، «بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه براساس جنسیت و پایه تحصیلی»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۴، ش ۴، ص ۷۵-۸۸.
- حیدری، اسفندیار و همکاران، ۱۳۸۸، «رابطه مذهب با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی»، *روان‌شناسی*، سال سیزدهم، ش ۳، ص ۱۸۳-۱۹۸.
- خداپناهی، محمدکریم و محمدعلی خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی»، *روان‌شناسی*، ش ۳ (۹۸)، سال نهم، ص ۳۱۰-۳۲۰.
- خداپناهی، محمدکریم، ۱۳۷۶، «انگیزش و هیجان، تهران، سمت.
- خداپزایی‌فرد، محمد و همکاران، ۱۳۷۹، «آماده‌سازی مقیاس نگرش مذهبی دانشجویان»، *روان‌شناسی*، ش ۴، ص ۲۶۸-۲۸۵.

- خرمایی، فرهاد و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه تاب‌آوری، هوش معنوی و هوش اجتماعی در نوجوانان»، در: ششمین کنگره بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان: دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۷۲، *دین‌پژوهی*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- خلعتبری، جواد و صونا بهاری، ۱۳۸۹، «ارتباط بین تاب‌آوری و رضایت از زندگی»، *روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن*، سال اول، ش ۲، ص ۸۳-۹۴.
- دهقان‌زاده، حسین و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با تاب‌آوری و سلامت روان در دانشجویان کارشناسی دانشگاه علامه طباطبایی»، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین.
- دهقانی، یوسف و سوران رجبی، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه تاب‌آوری با سلامت روان و هوش معنوی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بوشهر»، در: ششمین کنگره بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان، دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- رحمانی، مه‌ری، ۱۳۹۰، «بررسی ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با سازگاری اجتماعی- تحصیلی/ شغلی و عزت نفس اجتماعی- تحصیلی شغلی دانشجویان شهر اراک»، در: اولین کنگره روان‌شناسی اجتماعی ایران، تهران.
- رقیب، مانده سادات و همکاران، ۱۳۸۷، «تحلیل میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی»، *پژوهش‌نامه مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ش ۸، ص ۳۹-۵۶.
- زارعی، اقبال و طاهره احمدی سرخونی، ۱۳۹۱، «نقش پیش‌بینی‌کننده‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با میزان رضایتمندی زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر بندرعباس»، *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ش ۲ (۲)، ص ۱۰۱-۱۱۶.
- سامانی، سیامک و همکاران، ۱۳۸۶، «تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایت‌مندی از زندگی»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال سیزدهم، ش ۳، ص ۲۹۰-۲۹۵.
- صیدی سارویی، محمد و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و ویژگی‌های شخصیتی با بهزیستی روان‌شناختی با واسطه‌گری تاب‌آوری در بیماران ام.اس»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال سوم، ش ۱۱، ص ۱۷-۳۸.
- ضمیری‌نژاد، سمیه و همکاران، ۱۳۹۲، «پیش‌بینی شادکامی دانشجویان براساس هوش معنوی»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، دوره بیستم، ش ۵، ص ۷۳۳-۷۸۱.
- عبدالله‌زاده، حسن و همکاران، ۱۳۸۸، *هوش معنوی (مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن)*، تهران، روان‌سنجی.
- عظیمی، حمیده و مهران ضرغامی، ۱۳۸۱، «بررسی مقابله مذهبی و میزان اضطراب در دانشجویان علوم پزشکی مازندران در سال تحصیلی ۷۹-۷۸»، *مجله علمی- پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، سال دوازدهم، ش ۳۴، ص ۳۷-۴۶.
- غباری‌بناب، باقر و همکاران، ۱۳۸۵، «هوش معنوی»، *اندیشه نوین دینی*، سال سوم، ش ۱۰، ص ۱۲۵-۱۴۷.
- فراهنگ‌پور، فرناز و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه هوش معنوی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۹۰-۸۹»، *زن و مطالعات خانواده*، سال سوم، ش ۹، ص ۹۷-۱۱۹.
- فرهنگی، علی‌اکبر و همکاران، ۱۳۸۸، «هوش پیش‌بینی‌کننده رهبری تحول‌آفرین: بررسی روابط میان هوش معنوی، هوش عاطفی و رهبری تحول‌آفرین»، *علوم مدیریت ایران*، سال چهارم، ش ۱۵، ص ۳۱-۵۷.

- Hart, A, & et al, ۲۰۰۷, *Resilient therapy: working with children and families*, Hove, East Sussex: Rutledge.
- Henley, R, ۲۰۱۰, Resilience enhancing psychosocial programs for youth in different cultural contexts: Evaluation and research, *Progress in Development Studies*, v. ۱۰ (۴), p. ۲۹۵-۳۰۷
- Matthews Treadway, K, ۱۹۹۶, "Religion and Optimism: Models of the Relationship", *The Student Journal of Psychology*, v. ۲, p. ۱-۱۳.
- McCormick, J, ۲۰۰۹, Religious orientation and locus of control, Presented at the Australian Association for Research in Education Annual Conference, ۴-۷ December, Sydney, p. ۲۲-۲۴.
- Mcsherry, W, & et al, ۲۰۰۲, "The construct validity of a rating scale designed to assess spirituality and spiritual care", *International Journal of Nursing Studies*, v. ۳۹(۷), p. ۷۳۳-۷۳۴.
- Seligman, M. E.P, & Csikszentmihalyi, M, ۲۰۰۰, Positive Psychology: An introduction, *American Psychologist*, v. ۵۵, p. ۵-۱۴.
- Simon, J. B, & et al, ۲۰۰۵, Understanding and Fostering Family Resilience, *The Family Journal*, v. ۱۳, p. ۴۲۷-۴۳۶.
- Smith, M, ۲۰۰۵, *Spiritual quotient questionnaire: (SQQ)*, www.myskillsprofile.Com.
- Smith, S, ۲۰۰۴, "Smith, Exploring the interaction of emotional Intelligence and spirituality", *Traumatology*, v. ۱۰ (۴), p. ۲۳۱-۲۴۳.
- Vetter, S, & et al, ۲۰۱۰, Impact of resilience enhancing programs on youth surviving the Beslan school siege, *Child Adolesc Psychiatry Ment Health*, v. ۲۲, p. ۴-۱۱.
- Walsh, F, ۲۰۰۶, *Strengthening family resilience*, New York: Guilford Press.
- Wolman, R, N, ۲۰۰۷, *Spiritual quotient questionnaire*, Retrieved from internet: www.consciouspursuits.com.
- Zohar, D, & Marshall, ۲۰۰۰, SQ: spiritual intelligence, the ultimate intelligence, the ultimate intelligence, London, Bloomsbury.

- کریمی، جهانگیر و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه جهت‌گیری مذهبی با میزان تاب‌آوری و امیدواری در دانشجویان دانشگاه رازی»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۳، سال دوم، ش ۲، ص ۲۴۳-۲۵۶.
- کشاورزی، سمیه و فریده یوسفی، ۱۳۹۱، «رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب‌آوری»، *روان‌شناسی*، سال شانزدهم، ش ۳، ص ۲۹۹-۳۱۸.
- محمدی، مسعود، ۱۳۸۴، *بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض خطر سوء مصرف مواد*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی بالینی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مختاری، عباس و همکاران، ۱۳۸۰، «رابطه جهت‌گیری مذهبی با میزان تنیدگی»، *روان‌شناسی*، ش ۱۷ (۵)، ص ۵۶-۶۷.
- نورزاد قوام‌لکی، فاطمه و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه هوش معنوی با شیوه‌های مقابله مذهبی در دانشجویان دانشگاه تبریز»، در: اولین همایش ملی یافته‌های علوم شناختی در تعلیم و تربیت.
- Allport, G. W, & Ross, M. G, ۱۹۶۷, Personal Religious Orientation and Prejudice, *Journal of Personality and Social psychology*, v. ۵, p. ۴۳۲-۴۴۳.
- Campbell-Sills, L, & et al, ۲۰۰۶, Relationship of resilience to personality, coping and psychiatric symptoms in young adults, *Behaviour Research and Therapy*, v. ۴۴, p. ۵۸۵-۵۹۹.
- Chau-kiu Cheung, Ping Kwong Kam, ۲۰۱۲, Resiliency in older Hong Kong Chinese: Using the grounded theory approach to reveal social and spiritual conditions, *Journal of Aging Studies*, v. ۲۶, Issue ۳, Special Section: Innovative Approaches to International Comparisons, p. ۳۵۵-۳۶۱.
- Crook, G, ۲۰۰۸, The negative relationship between religion and substance use/abuse, Guilfordpress, v. ۶۶, p. ۱۲۲-۱۲۹.
- Elkins, M, & Cavendish, ۲۰۰۴, "Developing a plan for pediatric spiritual care", *Holistic Nursing Practice*, v. ۱۸ (۴), p. ۱۷۹-۱۸۶.
- Emmons, R. A, ۲۰۰۰, Is spirituality intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern, *The International Journal for the Psychology of Religion*, v. ۱۰ (۱), p. ۳-۲۶.
- Freud, S, ۱۹۰۷, Obsessive Acts and Religious Practices (J. Riviera, Trans), In E. Jones (Ed.), Sigmund Freud Collected Papers (p. ۲۵-۳۵), New York, Basic Books.
- Furr, K, A, & et al, ۲۰۰۷, "Effects of L.D.S Doctrine versus I.D.S Culture on Self-Esteem", *Intuition: by Undergraduate Journal of Psychology*, v. ۳, p. ۲۳-۲۸.
- Gardner, H, ۱۹۹۹, *Intelligence reframed: Multiple Intelligence for the new millennium*, New York, Basic Books.
- Gomes R, & McLaren S, ۲۰۰۶, The association of avoidance coping style, and perceived Mather and farther support with anxiety/Depression among late adolescents, *Applicability of resiliency models personality and Individual Differences*, v. ۴۰, p. ۱۱۶۵-۱۱۷۶.
- Gomes R, & McLaren S, ۲۰۰۶, The association of avoidance coping style, and perceived Mather and farther support with anxiety/Depression among late adolescents, *Applicability of resiliency models personality and Individual Differences*, v. ۴۰, p. ۱۱۶۵-۱۱۷۶.